

# شبه سوی



کتاب آزمون نهایی سی و چهارمین دوره مسابقه درسهایی از قرآن

برگرفته از مباحث درسهایی از قرآن  
حجت الاسلام والمسلمین استاد قرائتی

قرآن  
درسهایی از قرآن

قرآن  
درسهایی از قرآن

قرآن  
درسهایی از قرآن

قرآن  
درسهایی از قرآن

قرآن  
درسهایی از قرآن

قرآن  
درسهایی از قرآن

تهیه و تنظیم : محمد موحدی نژاد

مؤسسه ترویج فرهنگ قرآن

سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴



وزارت آموزش و پرورش  
معاونت پرورشی و فرهنگی  
اداره کل قرآن، هنر و معارف

قرآن  
در سه سال اول

## شناسنامه کتاب

کتاب:  
راهی به سوی رشد

تهیه و تنظیم  
محمد موحدی نژاد

طراحی جلد و صفحه آرایی  
محمد ملایری

بهمن ۱۴۰۴



## فهرست

ردیف	عنوان	صفحه
۱	مقدمه	۴-۶
۲	درس اول: بهره گیری از فرصت عمر	۷-۱۲
۳	درس دوم: کسب علم و دانش	۱۳-۱۷
۵	درس سوم: رابطه علوم ظاهری و باطنی	۱۷-۲۲
۶	درس چهارم: شناخت ظرفیت های انسان	۲۳-۲۸
۷	درس پنجم: ریشه و روش تعلیم و تربیت الهی	۲۸-۳۲
۸	درس ششم: آموزش، تعلیم و تربیت الهی	۳۳-۳۶
۹	(درس هفتم: انسان در گستره هستی)	۳۷-۴۱
۱۰	درس هشتم: پاداش الهی، در گرو عمل و اخلاص	۴۲-۴۴
۱۱	درس نهم: کوثر در قرآن	۴۵-۵۰
۱۲	درس دهم: هشدار نسبت به عوامل درس دهم: سقوط	۵۱-۵۵
۱۳	یازدهم: درسهایی از داستان موسی و خضر درس (ع)	۵۵-۶۰
۱۴	درس دوازدهم: درسهایی از سخنان حضرت زینب (س)	۶۰-۶۴
۱۵	درس سیزدهم: ملاک و راه ها برای انتخاب راه صحیح	۶۵-۶۹
۱۶	درس چهاردهم: خطرها و سپرها «	۷۰-۷۳
۱۷	درس پانزدهم: ما و دشمنان	۷۴-۷۸
۱۸	درس شانزدهم: پایداری و استقامت)	۷۹-۸۲
۱۹	درس هفدهم: مقایسه داشته ها و نداشته ها	۸۳-۸۹



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## مقدمه

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾ / اسراء»  
«همانا این قرآن به استوارترین راه، هدایت می کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند، بشارت می دهد که برایشان پاداش بزرگی است.»

## سخنی با دانش آموزان گرامی "

سلام علیکم

اکنون که با عنایت خداوند مهربان و راهنمایی والدین گرامی و مربیان و معلمان دلسوز و با حمایت مسئولین محترم وزارت آموزش و پرورش به ویژه اداره کل قرآن، عترت و نماز و مسئولین و دست اندر کاران سامانه شاد و مروجان محترم مسابقه، در سراسر کشور، توفیق درک محضر قرآن را پیدا کرده و با شرکت در سی و چهارمین دوره مسابقه درسهایی از قرآن به مرحله آزمون نهایی راه یافته‌اید، فرصت را مغتنم شمرده و سخنی برگرفته از معارف قرآن و اهل بیت (ع) را با شما در میان می گذاریم.

فضای ملتهبِ اخیر در ایرانِ عزیزمان، توسط مکر، حيله و توطئه‌های دشمنان، به خصوص آمریکا و اسرائیل برای از بین بردنِ نظام الهی، اسلامی ایران که با هزینه صدها هزار شهید به دست آمده است این را هم ثابت کرد که آن دشمنان قسم

خورده اسلام، به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا، نسل جوان و نوجوان عزیز کشورمان را در تیر رسِ توطئه‌ای خود قرار داده و خیال کرده‌اند که این نسل بصیر و آگاه، را می‌توانند، منحرف و در مقابل و تضاد با نظام اسلامی قرار دهند که به لطف خدا، دستشان رو، و در این توطئه هم ناکام ماندند. بله " قرآن:

« وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ » (آل عمران/ ۵۴)

و دشمنان، مکر (توطئه) خود را بکار بستند. خداوند نیز تدبیر خود را بکار برد و خداوند بهترین تدبیر کننده است.

و از طرفی امت مؤمن ما با اتحاد مثال زدنی در مقابل آن توطئه‌ها و تزییع روحیه‌ها، با یاد خدا و امید و نشاط، برای رسیدن به قلّه‌ها، دلش آرام است که "

« الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ » (رعد/ ۲۸)

(کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.)

نعمت آرامش از بزرگترین نعمت‌های خداوندی است که در سایه عمل به دستورات الهی در کتاب آسمانی قرآن کریم و سیره اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، و رهبری‌های رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای (زید عزیز)، همچون گذشته و وحدت امت، بدست می‌آید.

اما بعضی فکر می‌کنند که فقط در کنار رفاه و آسایش است که آرامش به دست می‌آید، لیکن تجربه زندگی بحران زده انسانهائی که در آسایش کامل بوده و آرامش نداشته و ندارند، صحت این مهم را ثابت می‌کند.

آری! فقط اتکا به خداوند مهربان می‌تواند ما را از این خطرات نجات داده و امید به آینده‌ای روشن را در ذهن و روح ما زنده کند.

پس در نتیجه بر ما لازم است که با تَمَسُّک و توسل و چنگ زدن به آموزه‌های قرآنی، ایمان و اعتقاد خود را به (خدا)، مبدأ جهان هستی، روز به روز، بارورتر کرده و با عمل صالح و توصیه به حق و صبر، (نصر/۴۳)، سبک زندگی خود را قرآنی کنیم. در سایه لطف و عنایات حضرت ولیعصر (عج)، سلامتی و توفیق روز افزون شما نوجوانان و جوانان عزیز قرآنی و والدین و عزیزان فرهنگی را از خداوند مهربان خواهانیم.

**موسسه ترویج فرهنگ قرآنی**





# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## درس اول:

### بهره گیری از فرصت عمر

#### چگونه ...؟

مهم آن است که بدانیم این عمر گرانبها را چگونه مصرف کنیم؟. پشم، پشم است. یکی با این پشم یک قالی قیمتی می بافد. و یکی هم جاجیم. مثلاً ما از خاک، آجر، سفال، سرامیک! می سازیم اما خدا از خاک هزاران رقم میوه در می آورد. ترش ترش، مثل لیمو ترش، شیرین شیرین، مثل توت و خرما، ترش و شیرین مثل آنار و پرتقال. ما ده ها رقم انگور داریم.

خدا با حروف الفبا، قرآن نازل فرموده است. و معجزه است. یعنی: همه انسان ها و انشمندان

هم دست به دست بدهند نمی‌توانند  
(اسراء/ ۸۸) مثل آن را بیاورند :  
قرآن : اگر می‌توانید مثلش را بیاورید: « فَأْتُوا  
بِکِتَابٍ » (قصص/ ۴۹).

۱- مثال: اول انسان از نفت برای  
روشنایی و یا گرم شدن و یا غذا پختن  
استفاده می‌کرد. اما امروز علم و دانش  
پتروشیمی صدها و یا هزاران رقم، استخراج  
می‌کند.  
حال! ما باید ببینیم از این عمر گرانبها چگونه و  
در چه راهی استفاده می‌کنیم. با این عمر اهل  
فلاح و رستگاری و پیشرفت و عزت.  
(مؤمنون/ ۱) و یا اهل خسارت، ضایع کردن و  
به باطل گذراندن آن. «إِنَّ الْخَاسِرِينَ»  
(زمر/ ۱۵) یکی می‌شود امام خمینی (ره) و  
یکی صدام. یکی بوعلی سینا و یکی ترامپ.  
یکی دانشمند و یکی بیسواد. یکی خدمتگزار  
جامعه و مردم، یکی هم ظالم و خیانتکار.

## ۲- به دنبال علم مفید،

فکر کنیم همه این درسهایی که می‌خوانیم و یا  
مطالعاتی که داریم و یا برنامه‌ها و فیلم و

سریالهایی که می بینیم و زمانهایی که برای  
گشت و گزار در محیطهای مجازی داریم مفید  
است؟.

قرآن : بعضی از علم و دانشها مفید و بعضی  
مضر است و مفید نیست . بلکه عمر ما را تلف  
می کند. (بقره/۱۰۲) وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا  
يَنْفَعُهُمْ .

در منابع اسلام و دینمان، ۳۵۰ « أَعُوذُ بِاللَّهِ:  
پناه می برم به خدا » داریم. یکی از آنها این  
است که: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» (مصباح  
المجتهد/ص ۵۷) : خدایا! پناه می برم به تو از  
علم غیر مفید و بی خاصیت.

امروز انسان از خرده نان و آهن و چوب و زباله  
و... ، بازیافت دارد و استفاده بهینه می کند. ما  
نباید فکر کنیم که از عمر خود چگونه استفاده  
می کنیم.

۲- دانشمندی کتاب قطور و پُر صفحه ای  
نوشته بنام ( یک ربع به دوازده) در مقدمه  
آن می نویسد که " من هر روز طبق برنامه  
یک ربع به دوازده در منزل بودم تا زمان غذا

حدود یک ربع وقت داشتم با خود گفتم: از این زمان استفاده کنم. مطالب خوبی را جمع آوری کرده و برای استفاده دیگران چاپ کردم.

حال! فکر کنیم که ما چقدر از عمر خود را بیهوده می گذرانیم.

آری! خرده نان‌ها در گاوداری‌ها تبدیل به شیر و خرده آهن، در ذوب آهن تبدیل به آهن شود و خرده کاغذ، کارخانه مقوا سازی. فاضلاب، تصفیه برای کشاورزی و خرده شیشه تبدیل به مصنوعات دیگر می شود. این مسئله مهمی است.

### ۳- اصلاح و تقویت انگیزه

بهترین راه استفاده از عمر، آن است که نیت ما در کارها، خدایی و برای رضا و خشنودی او باشد. کارهایمان را با خدا معامله کنیم. چرا که در قرآن دنیا سه اسم و لقب دارد "

اول: دنیا در مقابل کرامت و بزرگی و عزت انسان، چیز کمی است: «مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (نساء/۷۷).

دوم: دنیا غنچه‌ای است که برای هیچکس گل نمی شود: «زَهْرَهُ» (طه/۱۳۱).

سوم: دنیا عارضی و از بین رفتنی است و برای  
هیچکس ماندنی نیست: «عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»  
(نساء/۹۴) مثل عطری که بویش می‌پرد.  
پس اگر درس می‌خوانیم برای ارزشی که  
خودش دارد بخوانیم، نه فقط برای مدرک.  
یعنی: از دنیا استفاده کنیم، اما برای دنیا کار  
نکنیم.

بله! اگر کارها برای رضای خدا باشد، می‌ماند و  
رشد و نمو هم دارد. («ما كان لله ينموا»). مثل  
خانمی که لباس‌ها را با دست خود می‌شوید،  
ورزش هم می‌کند و عرق بدنش هم درمی‌آید.  
غذایش هم هضم می‌شود. ایام فراغتش هم پر  
می‌شود. همراهش نشاط می‌آید.

#### 4- ضرر و خسارت واقعی...؟

دنیا مثل سایه است. اگر به سایه پشت کردی  
دنبالت می‌آید. اما اگر رویت را برگردانی و  
بخواهی سایه را بگیری، از شما دور می‌شود.  
بسم الله؛ فکر کنیم: ده، پانزده سال، درس، بعد  
استخدام، کم کم پس‌انداز تا نزدیک دوران  
بازنشستگی، همه را می‌دهی یک خانه می‌-  
خری، و بعد هم باید بگذاری و بروی. اگر

زندگی در راه رضای خدا نباشد، ضرر و زیان  
است. قرآن می فرماید:

وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ  
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...» (عصر / آیه ۳ - ۱)  
(به روزگار (عمر انسان،) سوگند: همانا انسان  
در خسارت است. مگر آنان که ایمان آورده و  
کارهای نیک انجام داده)

#### ۵- پایداری و استقامت در جهت رشد

ما از نظر اسلام هیچ زمانی از تحصیل، کار و  
تلاش و کوشش فارغ نمی شویم. قرآن می -  
فرماید: حتی پیامبر (ص) هم از خدا می خواهد  
علم و دانش و دانایی اش افزوده شود: «وَقُلْ  
رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه / ۱۱۴).  
قرآن می فرماید: حضرت موسی، پیامبر خدا -  
(ع) از حضرت خضر (ع) درخواست کرد که من  
مدتی همراه شما باشم تا رشد من (اطلاع و  
آگاهی ام)، افزوده شود:  
« قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا  
عَلَّمْتَ رُشْدًا » (کهف / ۶۶)  
موسی به او (خضر) گفت: آیا (اجازه



می‌دهی) در پی تو بیایم، تا از آنچه برای رشد  
و کمال به تو آموخته‌اند، به من بیاموزی؟.

## درس دوم:

### کسب علم و دانش

#### ۱- معلمی، عبادت است

معلمی شغل نیست، عبادت است. مثل پیش‌نمازی  
شغل نیست. و مثل مادری کردن، شغل نیست. معلم  
انسان‌ها را از جهالت و نادانی نجات می‌دهد مثل انقاذ  
غریق، (نجات انسان در حال غرق شدن)، است. قرآن  
می‌فرماید:

- معلمی راه خدا است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ»  
(الرحمن/۱ و ۲): خدای رحمان معلم است.

- معلمی راه انبیاء است: «يُعَلِّمُهُمْ وَيَزَكِّيهِمْ» (انسان‌ها  
را تعلیم داده و تزکیه و تربیت می‌کنند).

- معلمی راه جبرئیل است: «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى»  
(نجم/۵) منظور از شدید القوی جبرئیل است.

آری! فرق است بین اینکه انسان در اداره دخانیات باشد و دود را به ریه‌های سالم برساند. و یا معلم که علم را به مغزها می‌رساند تقسیم دود به ریه کجا!!! و تقسیم علم به مغز کجا!!!

\* خاطره‌ای از شهید آیه‌الله دکتر بهشتی (ره):

حدود چهل و چند سال قبل، ایشان مرا به دفتر خود در قوه قضائیه دعوت کرد و فرمود: شما در معلمی قوی هستید. سفارش می‌کنم که دست بر ندارید و کار دیگری را قبول نکنید. من هم قبول کرده و قول دادم.

## ۲- معلمی قابل مقایسه نیست.

گرچه معلمی حقوق و مزایایش کم است اما با هیچ کار دیگر قابل مقایسه نیست. مثلاً: مهندس روی جماد مثل ماشین و ساختمان یا هواپیما کار می‌کند، مهندسی ما روی جمادات کار می‌کنند ولی معلم و مربی انسان می‌سازد و تربیت می‌کند.

پزشک روی جسم کار می‌کند، معلم روی روح کار می‌کند. جسم را حیوان‌ها هم دارند، روح انسانی است که مخصوص انسان است. تاجر در بازار چرخ خیاطی و کامپیوتر و کولر و یخچال و فریزر و...، توزیع می‌کند، و یا از سدر و صابون گرفته تا پارچه و غذا و تا لوازم

خانه و ... را پخش می کند اما معلم علم و دانش و فهم را.

### ۳- نقش آموزش در پیشرفت بشر

دانشمندی کتابی را در جایگاه مخصوص و گنجینه‌ای در کتابخانه خود قرار داده بود افرادی برایشان جای سؤال بود که این چه کتاب و دارای چه مشخصات و ویژه‌گی‌هایی مثل خط خوب و یا پوست آهو ووو، است؟ می گفت: این کتاب اول دبستان است. چون رشد و پیشرفت من از همانجا شروع شد.

معلم کار پنج گروه مهم در جامعه پیشرفته را انجام می دهد. مثلاً: برای ساخت یک ماشین؛

گروه اول: مهندسی کشف معدن. معلم، اول انسان‌ها را با استعدادهاى مختلف کشف می کند.

گروه دوم: مهندسی استخراج معدن. معلم استخراج استعداد می کند.

گروه سوم: مهندسی ذوب و قطعه سازی. معلم استعدادها را در راه صحیح ذوب می کند.

گروه چهارم: مهندسی مونتاژ و پیوند دادن قطعات. معلم هم انسان‌ها را برای پیشرفت جامعه پیوند می دهد.

آری! معلم با گران‌ترین گوهر هستی سر و کار دارد.  
بقیه روی جماد و معلّم روی مغزها کار می‌کند.

#### ۴- اهمیت تربیت در کنار تعلیم

اگر انسان‌های باسواد، خوب هم تربیت شوند، جامعه پیشرفت خواهد داشت. انسان تربیت شده از فرشته برتر و تربیت نشده از حیوان و گرگ بدتر است. قرآن:

( و همانا بسیاری از جنّ و انس را برای دوزخ آفریدیم،  
(که سرانجامشان به آنجا می‌کشد، چرا که) آنان  
دل‌هایی دارند که با آن حقّ را درک نمی‌کنند و  
چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند  
که با آن نمی‌شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه  
گمراه‌ترند، آنان همان غافلانند. (اعراف/۱۷۹).

شما جنایات اسرائیل را در کشتار مردم مظلوم و بی  
دفاع فلسطین و غزه را نگاه کنید. و جنایت سعودی  
که پول نفت مسلمان‌ها را، از آمریکا اسلحه می‌خرد و  
بر سر مسلمانان یمن می‌ریزد!!!!

در جای دیگر می‌فرماید: انسان بدون تربیت و پرورش  
الهی، مثل الاغ است: «كَمَثَلِ الْإِنْسَانِ» (جمعه/۵)  
باسواد است ولی با سوادی که به سوادش عمل نکند،  
مثل الاغی است که کتاب بار کند.



آن کتاب (با عظمت که) در (حقانیت) آن هیچ تردیدی راه ندارد، راهنمای پرهیزگاران است. «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ...» (متّقین) کسانی هستند که به «غیب» ایمان دارند و نماز را به پای می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. (بقره/ ۱ تا ۳)

آری! قرآن، هستی را به دو بخش تقسیم می‌کند: عالم غیب (باطن) و عالم شهود (ظاهر). متّقین به کلّ هستی ایمان دارند، ولی دیگران تنها آنچه را قبول می‌کنند که برایشان محسوس باشد.

حتّی توقع دارند که خدا را با چشم ببینند و چون نمی‌بینند، به او ایمان نمی‌آورند. چنانکه برخی به حضرت موسی (ع) گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم، مگر آنکه خداوند را آشکارا مشاهده کنیم. «بقره، ۵۵»

این افراد درباره‌ی قیامت نیز می‌گویند: جز این دنیا که ما در آن زندگی می‌کنیم، جهان دیگری نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم و این روزگار است که ما را از بین می‌برد. «جاثیه، ۲۴»

چنین افرادی هنوز از مدار حیوانات نگذشته‌اند و راه شناخت را منحصر به محسوسات می‌دانند و می‌خواهند همه چیز را از طریق حواسّ ظاهری درک

کنند. اما متقین و پرهیزکاران، نسبت به جهان غیب ایمان دارند، که برتر از علم و فراتر از آن است. در درون ایمان، عشق، علاقه، تعظیم، تقدیس و ارتباط نهفته است، ولی در علم تجربی و ظاهری، این مسائل نیست.

پس ایمان، از عمل جدا نیست. و اساسی‌ترین اصل در جهان بینی الهی آن است که هستی، منحصر به محسوسات نیست.

لذا تحصیل را فقط وابسته به کلاس و درس ندانیم. خیلی وقت‌ها آدم با یک ملاقاتی که با یک عالم ربانی و یک دانشمند فرهیخته دارد اثرات سازنده عملی دارد.

در حدیث آمده: «أَعْلَمُ النَّاسِ...»: باسوادترین مردم کسی است که علم و دانش و آگاهی مفید دیگران را به علم خودش اضافه کند.

## ۲- تلاش همراه با توفیق از الهی

توفیقات را از جانب و لطف خدا بدانیم. حضرت سلیمان (ع) با آن همه عظمت و امکانات و قدرت گفت: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي» (نمل/۴۰) یعنی: این‌ها همه از فضل خداست.

اما به قارون گفتند: تو این همه پول و امکانات داری به فقرا هم کمک کن. «أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص/۷۷) خدا به تو داده، تو هم به دیگران، کمک و احسان کن. گفت: از خدا نیست: «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص/۷۸) بلکه با علم و تلاش خود به دست آورده‌ام.

حال! حساب کنیم که "علمی که دارم در سایه سلامتی و سلول‌های مغز و هوشی است که خدا به من داده است.

اگر توفیق کارهای خوب را هم داریم، چه چیزی از ما بود؟ زمانش، مکانش، حافظه اش، عقلش، خواب و بیداری اش، ما اعتقاد داریم که: «بحول الله و قوته اقوم و اقعده» یعنی: بلند شدن و نشستن ما هم به قدرت الهی است که به ما عطا می‌فرماید. همه چیز از اوست. مثلاً اگر ما مبلغی به فقیر دادیم، چقدر در زندگی خرج خود کرده‌ایم. که حالا پول مختصری هم به فقیر می‌دهیم.

### ۳- شهامت و صداقت، نشانه خدایی بودن

با شهامت باشیم و خود را برتر از دیگران ندانیم. اگر چیزی را نمی‌دانیم و یا دیگری را در کاری که به ما مراجعه شده برتر می‌دانیم این را با شهامت و صداقت

اعلام و اظهار کنیم. مثلاً: اگر پزشکی مریضی را تشخیص نمی‌دهد، معطل نکند و اگر دیگری را بهتر می‌داند معرفی کند.

خداوند به حضرت موسی(ع) فرمود: «اذْهَبْ اِلَى فِرْعَوْنَ ...» به سوی فرعون رفته و او را ارشاد و نصیحت کن. گفت: خدایا! «هَارُونَ اَخِي ... هُوَ اَفْصَحُ مِنِّي» (طه/۳۰ و ۳۴) هارون برادرم، بیانش از من فصیح‌تر، (از من خوش‌بیان‌تر) است. همراه من بیاید.

چه اشکالی دارد حتی پیغمبر اولوالعزمی مثل حضرت موسی(ع) بگوید: هارون بیانش از من بهتر است. اما ما تحمل نمی‌کنیم که بگوییم: فلانی از ما بهتر است. بعضی، شهامت و صداقت نداریم. مادر بگوید: من غافل شده و غذا را سوزاندم، معذرت می‌خواهم. پدر بگوید: من باید این کار را بکنم، نکردم، معذرت می‌خواهم. اگر این شهامت و صداقت باشد فرزند هم یاد می‌گیرد. شهامت و صداقت و جرأت در زندگی لازم است. حضرت زینب کبری(س) در سخنرانی‌اش خطاب به یزید گفت: یزید فکر نکن حسین را کشتی تمام شد! تو خیلی آدم پستی هستی. «انی لاستصغر قدرک»: تورا پست و کوچک می‌شمارم.

تو پیش من ارزشی نداری. خیلی مهم است یک زن در کربلا صحنه را دیده است، برادرهایش، پسرهایش، فامیل‌هایش شهید شدند. اسیر شده و تازه در دربار شام به یزید اینچنین می‌گوید.

#### ۴- مردمی بودن عالم و دانشمند

پیامبر (ص) با آن همه عظمتش قرآن در باره‌اش می‌فرماید: «يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» (فرقان/۷) (مثل بقیه مردم در اجتماعات و) در بازار راه می‌رود. «يَمْشُونَ» (اعراف/۱۹۵) همه پیغمبران (در کوچه و بازار و در میان مردم)، راه می‌رفتند. این راه رفتن در بازار، یعنی: بدان جامعه در چه حال است.

مردم مکه چون خودشان را جزء اشراف می‌دانستند، حرکاتشان غیر از حرکت بقیه حاجی‌ها بود خداوند فرمود: «أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ» (بقره/۱۹۹) آئی! مردم مکه! شما مثل باقی‌ها باشید.



## درس چهارم :

### شناخت ظرفیت های انسان

#### ۱- ضرورت شناخت استعدادها؛

ظرفیت و استعداد های انسان بسیار زیاد است. و متأسفانه ما از بخشی از آن استفاده می کنیم. مثل اتوبوسی که سی تا چهل جا و صندلی دارد، اما یک مسافر سوار کند. قرآن سفارشات زیادی دارد که ای انسان! استعداد های خودت را بشناس .

قرآن در باره ماجرای خلقت و ظرفیت انسان می فرماید:

وقتی خدا خواست آدم را خلق کند به فرشته ها فرمود: که من می خواهم موجودی خلق کنم بنام « آدم ». حالا چرا خداوند این مسئله را با فرشتگان طرح کرد؟ تنها سؤالی که خدا طرح می کند، درباره خلقت آدم است، فرشته ها هم رأی منفی دادند گفتند انسان را خلق نکن می خواهی بشری خلق کنی که خون ریز و مفسد است. برای چه آدم را خلق می کنی؟ ما سبحان الله گفته و عبادت کرده و ذکر تو را می گوئیم. از خیر

این انسان بگذر (خداوند) فرمود: من چیزی می دانم  
که شما نمی دانید. (بقره / ۳۰). آیه بعد:

و خداوند همه‌ی اسما (حقائق و اسرار هستی) را به  
آدم آموخت، سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و  
فرمود: اگر راست می گویند، از اسامی اینها به من خبر  
دهید؟ (بقره/ ۳۱)

پس برتری انسان بر فرشتگان، به خاطر علم، دانایی و  
آگاهی اوست. گرچه فرشتگان عبادت بیشتری  
داشتند ولی آدم، علم بیشتری داشت.

## ۲- سرمایه سلامتی و نشاط.

نشاط یک سرمایه است. انسان گاهی به جایی می رسد  
که حال جواب سلام هم را ندارد. توجه به سرمایه‌ها  
برای ما مهم است.

سال‌ها قبل، فردی متوجه شد که بعضی از مسیحی‌ها  
افراد مسلمان نابینا را کمک کرده، آموزش می دهند اما  
در کنار کمک و آموزش افکار خود را هم به آنها القا و  
تزریق می کنند. با دوستانش به پا خاسته و مؤسسه‌ای  
را راه اندازی کرده و در مدت کوتاه، جمعیت زیادی از  
افراد نابینا را تحت پوشش و خدمت قرار دادند.

ببینید این استعداد است که یک نفر می‌تواند روی صدها و یا هزاران نفر اثر بگذارد.

در زمان خود هم دیدیم فردی را بنام ( شهید تهرانی مقدم «ره» معروف به پدر موشکی کشور عزیز ایران) که علی‌رغم تنگناها و تحریم دشمنان، با علم و دانش و تعهد و دلسوزی، ابتکار موشک‌هایی را کرد که در جنگ ۱۲ روزه دشمن تا دندان مسلح رژیم صهیونیستی و آمریکا را به زانو در آورد. آری! این نتیجه و حاصل سلامتی، شور و نشاط و تعهد و تلاش انسان، به خصوص در دوران جوانی است که باید قدر بدانیم و از آن خوب استفاده کنیم.

### ۳- یک نفر و یا یک اُمّت؟

قرآن می‌فرماید: ابراهیم یکی بود اما یک امت بود. و امام خمینی (ره) هم در باره آیه‌الله شهید دکتر بهشتی (ره) فرمود: بهشتی یک ملت بود.

اگر شما جوانان عزیز با خدای مهربان و قادر گره بخورید، و اهل ایمان و تقوا، تعهد و دلسوزی، شوید و تلاش کنید، لطف کرده، استعدادهای شما را شکوفا کرده و با موفقیت‌های زیاد در جامعه، تأثیر گذار و مفید می‌شوید.

خداوند قادر، قوی و حکیم است اگر به یک انسان نظر کند، یک امت می شود و اگر بخواهد لطفی به تار عنکبوت کرده و باعث می شود، وجود پیامبر عزیز (ص) در غار از دست دشمنانش محفوظ بماند.

#### ۴- جبران زیاد الهی، در کارهای خیر

ما بر این اعتقاد هستیم که خداوند قادر حکیم، همه کارهای خیر، (چه کم و یا زیاد و ریز و درشت ما را، چه در دنیا و آخرت)، جبران می کند. قرآن:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال/ ۷ و ۸)

(پس هر کس به مقدار ذره ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند. و هر کس هم وزن ذره ای کار بد کرده باشد آن را ببیند.)

آیه دیگر: (پس هر که از کارهای نیکو انجام دهد و مؤمن باشد، پس برای تلاش او هیچ گونه ناسپاسی نخواهد بود و همانا ما (کارهای نیکویش را) برای او ثبت می کنیم.) (انبیاء/ ۹۴)

وعده ی پاداش و اجر و ثواب خداوند، با تعبیر و واژه های گوناگونی در قرآن آمده است: یکجا می فرماید: ما اجر نیکوکاران را ضایع نمی کنیم، «انا لا نُضِيعُ أُجْرَ

المُحْسِنِينَ» «یوسف، ۵۶» در جای دیگر می فرماید:  
سعی و تلاش مردم مورد تشکر و سپاس است، «كَانَ  
سَعِيهِمْ مَشْكُورًا» «اسراء، ۱۹» و خداوند، شاکر و  
شکور است، «فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» در جای دیگر نیز  
می فرماید: خداوند، ذره‌ای از پاداش شما را کم  
نمی کند. «لَا يَلْتَكُمُ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا» «حجرات،  
۱۴» و اگر ذره‌ای کار نیک انجام دهید، آن را خواهید  
دید.

پس بر اساس اینگونه آیات قرآن، اعمال انسان ثبت  
می شود و پاداش بر اساس حساب و کتاب است.

آری! در مکتب اسلام دنیا، همچون بازار است.  
فروشنده، مردم اند و خریدار خداوند. متاع معامله، مال  
و جان است و بهای معامله بهشت. اگر به خدا  
بفروشند، سراسر سود و اگر به دیگری بفروشند،  
یکسره خسارت است.

\* معامله با خدا (توبه/۱۱۱) چند امتیاز دارد:

- خود ما و توان و دارایی ما از اوست، سزاوار نیست  
که به غیر او بدهیم.

- خداوند، اندک را هم می خرد. «مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»

- عیوب جنس را اصلاح می‌کند و رسوا نمی‌سازد.

- به بهای بهشت می‌خرد. خداوند در خریدن وارد مزایده می‌شود و نرخی را پیشنهاد می‌کند که فروختن به غیر او احمقانه و خسارت است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: برای بدنهای شما جز بهشت، بهایی نیست، پس خود را به کمتر از بهشت نفروشید.



### درس پنجم:

### ریشه و روش تعلیم و تربیت الهی

#### ۱- نقش آموزش در سنین کودکی

در حدیث آمده: علم و آموزش در کودکی مثل نقش و تراش روی سنگ و ماندگار است. پاک نمی‌شود. البته! آموزه مکتب اسلام آن است که: تا هفت سالگی کودک را آزاد بگذارید. اگر آموزشی هم هست بسیار

رقیق، سبک، ساده و شیرین باشد. لذا آموزش در کودکی و تحمیل و فشار برای حفظ قرآن توصیه اسلام و اهلبیت (ع) نیست.

## ۲- قرآن، دفترچه راهنمای بشر

خداوند بشر را خلق کرده و برای زندگی سالم و بهتر و پیشرفت و پیمودن راه‌های عزت و سربلندی، کتابی به نام قرآن و راهبرانی مثل پیامبران و امامان معصوم (ع) را فرستاده است. (بقره/ آیات ۱ تا ۳)

مثال: اگر ما از بازار وسیله‌ای را (مثل تلویزیون، یخچال، تلفن همراه و...) تهیه کنیم داخل کارتن آن دفترچه‌ای است که مهندس و سازنده، آن را آماده کرده تا خریداران بتوانند صحیح و بهتر از آن و امکاناتی که دارد استفاده کنند و از طرفی با صحیح استفاده کردن، عمر بیشتری داشته باشد. در قرآن آیات زیادی به این مضمون و معنا داریم که:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ ...» (إسراء/ ۹)  
(همانا این قرآن به استوارترین راه، هدایت می‌کند و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برایشان پاداش بزرگی است.)

پس در حقیقت راهنمایان و معلمان اصلی و حقیقی بشر، خدا و پیامبران هستند.

قرآن: «الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ» : (خداوند رحمان، قرآن را آموخت. (الرحمان/ ۲ و ۱)

قرآن :

پس علم و دانش الهی علمی است که؛

- جلوهی رحمت است که آموزش خدا باشد.

«الرَّحْمَنُ / ۱»

- علمی است که جلوهی رحمت است که جامع باشد.

«نحل، ۸۹»

- علمی که برای آن، پاداشی از ما نخواهد و بر اساس

رحمت باشد. «الرَّحْمَنُ / ۱»

- علمی که جلوهی رحمت است که در هر زمان

کاربرد داشته باشد. (آل عمران / ۳)

- علمی که جلوهی رحمت است که بصیرت آفرین و

تقوا آفرین باشد. (نساء / ۱۰۵)

- علمی که جلوهی رحمت است که سعادت فرد و

جامعه و این جهان و آن جهان را تأمین کند.

(نساء / ۱۱۳)

و تعلیم در مکتب اسلام ، توسط خداوند است.

یعنی:

- تعلیم بر اساس حق است. . «فصلت، ۴۲»

- تعلیم برای داوری صحیح است. « قاف، ۴۵»

- تعلیم چیزهایی که فراگیری آن از راههای عادی

ممکن نیست. « جن، ۲»

- و تعلیمی که خود، برهان و دلیل قاطع و محکم

است. « حجر، ۹»

- و تعلیمی که عمل صالح است. «طه، ۴»
- و تعلیمی که موعظه، شفای دل، هدایت و رحمت است. «زمر، ۱»
- و تعلیمی است که از غیب است و دسترسی به آن برای هر انسانی، میسر و آسان نیست. «فصلت، ۲»
- و تعلیم بهترین داستان‌های حقیقی و واقعی است. (یوسف/۳)
- و تعلیم و شناخت حقایق است. «نحل، ۸۹»
- و تعلیم برترین‌ها است. «فرقان، ۳۳»
- و تعلیم میزان شناخت حق از باطل است. «شوری، ۱۷»
- و تعلیم سالم‌ترین سخن است. «فصلت، ۴۲»
- و تعلیم موعظه است. «ق، ۴۵»
- و تعلیم رشد است. «جن، ۲»
- و تعلیم کتابی که حفظ آن بیمه شده از جانب خدا است. «حجر، ۹»

### و سرچشمه قرآن:

- از قدرت و عظمت خدا است. «طه، ۴»
- از عزت و حکمت خدا است. «زمر، ۱»
- از لطف و رحمت خدا است. «فصلت، ۲»
- ربوبیت، تربیت و رشد الهی است. «واقعه، ۸۰»

### ۳- آموزش و یادگیری در راه خدا

تعلیم و تربیت کار سختی است. اگر تعلیم و تربیت در راه خدا و رضای او باشد، سازنده و گرنه مخرب و مایه فساد می‌شود. نگاه و مطالعه کنیم کشورهای را که علم و دانش، اختراع و فناوری و پیشرفتشان زیاد، جرم و جنایتشان هم، زیاد و زیادتر است.

امروز بمب اتم و اسلحه‌های تخریب و کشتار جمعی و انسان و نسل کشی، (مثل فلسطین و غزه، لبنان و یمن، ایران و عراق و افغانستان و بلکه همه دنیا)، به دست چه کسانی ساخته و استفاده می‌شود؟! قرآن می‌فرماید:

( گفت: بی شک، هرگاه پادشاهان به منطقه‌ی آبادی وارد شوند (و هجوم برند)، آن جا را به تباهی می‌کشند و عزیزان آن جا را ذلیل می‌کنند و این، سیره‌ی همیشگی آنان است. (نمل/۳۴)  
آری! از این آیه می‌آموزیم که:

- شیوه‌ی حکومت‌های غیر الهی، ایجاد فساد و ذلت در بین منطقه و مردم است.  
- و آفت حکومت و قدرت، سلطه‌طلبی، جنگ افروزی و ویرانگری است.



## درس ششم:

### آموزش، تعلیم و تربیت الهی

#### ۱- ارزش و اثر آموزش

در مکتب اسلام، آموزش و تعلیم آنقدر ارزش و اثر دارد که اگر حیوان و حتی سگی آموزش ببیند، ارزش پیدا می‌کند. قرآن می‌فرماید:

(ای پیامبر!) از تو می‌پرسند: چه چیزهایی برای آنان حلال شده است؟ بگو: تمام پاکیزه‌ها برای شما حلال گشته است، و (نیز صید) سگ‌های شکاری آموزش دیده که در پی شکار گسیل می‌دارید و از آنچه خداوند به شما آموخته، به آنها یاد می‌دهید. پس، از آنچه برای شما گرفته‌اند بخورید و نام خدا را (هنگام فرستادن حیوان شکاری) بر آن ببرید و از خدا پروا کنید که خداوند سریع الحساب است. (مائده/۴)

#### \* نکته مهم:

با عنایت به کلمه‌ی «مُكَلِّبِينَ» در این آیه، که از ریشه‌ی «کَلَب» است، به معنای تعلیم دهندگان سگ‌های شکاری است، تنها صید سگ‌های آموزش دیده حلال است، که صاحبش او را برای و به قصد، گرفتن صید،

گسیل داده، و سگ صید را نگهداشته، تا صاحبش برسد و صید را از او بگیرد. نه صید حیوانات شکاری دیگر به خصوص که حیوانی را برای خودش شکار کرده باشد که خوردن آن حرام است.

پس از این آیه می‌آموزیم که؛

- هر چه در مکتب اسلام، برای انسان حرام شده، بخاطر پلیدی آشکار یا نهان آن است.

- اسلام دینی فطری است، آنچه را که دل بیسندد و فسادى نداشته باشد حلال می‌کند.

- آموزش، منحصر به انسان نیست، حیوانات هم قابل تعلیم و تسخیرند.

- دانش، حتی به سگ ارزش می‌دهد و کارآیی آن را بیشتر می‌کند. ( سگ با اندکی آموزش، یک عمر شکار خود را به معلمش هدیه می‌کند. ولی بعضی از انسان‌ها که همه چیز را از خدا فرا گرفته‌اند، برای خدا چه می‌کنند؟

- هنگام فرستادن سگ شکاری، نام خدا برده شود تا صید او حلال شود.

## ۲- آموزش تجربی خداوند درباره قیامت

داستان حقیقی و واقعی از قرآن: (بقره/۲۵۹)

(یا همانند کسی (عُزَیر) که از کنار یک آبادی عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن بر روی سقف‌هایش فرو ریخته بود (و مردم آن مرده و استخوان‌هایشان در هر سو پراکنده بود، او با خود) گفت: خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می‌کند؟

پس خداوند او را یک صد سال میراند و سپس زنده کرد (و به او) گفت: چقدر درنگ کردی؟ گفت یک روز، یا قسمتی از یک روز را درنگ کرده‌ام! فرمود: (نه) بلکه یک صد سال درنگ کرده‌ای، به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی) نگاه کن (که با گذشت سالها) تغییر نیافته است. و به الاغ خود نگاه کن (که چگونه متلاشی شده است، این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوییم) و (هم) تو را نشانه (رستاخیز) و حجتی برای مردم قرار می‌دهیم. (اکنون) به استخوان‌ها (ی مَرکب و الاغ خود) بنگر که چگونه آنها را بهم پیوند می‌دهیم و بر آن گوشت می‌پوشانیم. پس هنگامی که (این حقایق برای آن مرد خدا) آشکار شد، گفت: (اکنون با تمام وجود) می‌دانم که خداوند بر هر کاری قادر و تواناست.

آری! از این آیه قرآن می‌آموزیم که؛

- علم و دانش، تعلیم و فهمیدن چقدر، ارزش دارد که پیغمبری، صد سال بمیرد و زنده شود تا حقیقتی را بفهمد و خداوند قادر **با نمایش آن** حقیقت را، (که چگونه انسان، بعد از مردن زنده می‌شود را)، به او بفهماند.

- از تمدن‌های ویران شده گذشته، **باید عبرت** گرفت.

- هر چند می‌دانید، اما باز هم علم خود را با تجربه و پرسیدن بالا ببرید.

- با اراده الهی استخوان محکم، متلاشی می‌شود، ولی غذایی که زود فاسد می‌شود، صد سال سالم باقی می‌ماند.

- مشت نمونه‌ی خروار است. خداوند گوشه‌هایی از قدرت خود در قیامت را در دنیا به نمایش گذارده است.



## درس هفتم :

### انسان در گستره هستی

#### ۱- هستی و اختیار انسان

در قرآن در باره انسان جمله و واژه‌های است که تکرار شده است: «سَخَّرَ لَكُمْ» یعنی : ای انسان! من در اختیار تو قرار دادم. مثلاً:

- و کشتی را رام شما نمود «وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ»  
(ابراهیم/۳۲)،

- و (خداوند) خورشید و ماه را که دائماً در حرکت هستند، برای شما رام نمود «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ» (ابراهیم/۳۳)،

- و نیز شب و روز را برای شما مسخّر نمود. «وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ» (ابراهیم/۳۳)،

- و برای شما نهرها را مسخّر نمود. «سَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ»  
(ابراهیم/۳۲)

معنای جمعی همه این آیات این می شود که ای انسان!

ابر و باد و مه و خورشید و فلک (برای تو) در کار،  
حرکت و گردش هستند، اما تو نباید سرمایه ارزشمند  
عمر خود را به غفلت و بطالت و بیهودگی بگذرانی!!!  
آری!

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

اما و متأسفانه انسان هایی هستند که با همه این  
دلیل ها و راهنمایی ها و لطف و محبت خداوند: «إِنَّ  
الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم/۳۴) : همانا انسان بسیار  
ستمگر و ناسپاس است.

مثال: انسان، اگر دو میلی متر گوگرد (یک دانه کبریت)  
را مدیریت کند، تا خدا پیش می رود. با یک دانه کبریت  
چراغ گاز را روشن کرده، غذا آماده می کند، از آن غذا  
استفاده کرده و عبادت خدا را می کند. یا در جهت پیاده

شدن احکام الهی و ترویج فرهنگ قرآن و سیره، اخلاق، روش، منش و مکتب تلاش می کند. شد وصل به خدا.

## ۲- بزرگی عقل و روح،

حضرت علی (ع) به یکی از یارانش به نام « کَمیل » می - فرماید:

« يَا كَمِيلُ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَهُ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا »  
(نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷): این دلها (مانند) ظرف  
است. پس بهترینش آن است که ظرفیت بیشتری داشته  
باشد.

یکی به من گفت: چرا موسیقی (البته از نوع حرام، با خواننده های غنا خوان و آنچنانی،) را گوش نمی دهی؟  
گفتم: ظرفیتِ ذهن، عقل و فکر که می تواند در خدمتِ کارهای علمی و ارزشمند قرار بگیرد حاضر نیستم در خدمتِ یک رقاصه و... قرار بدهم. خداوند هم این نعمت را به من نداده تا اینجور ازش استفاده کنم. من می توانم دانشمند شوم. حیف نیست مُخ و فهم خود را در اختیار او (رقاصه) بگذارم؟!!!

ممکن است حتی یکی بگوید: این موسیقی مجاز (حلال) است. می گویم: اگر کار به حلال و حرامش نداشته باشم حقّ است چون من موجودی هستم که با این عقل و فهم می توانم در راه های مختلف، که مورد

رضای خدا است رشد کرده و اوج گرفته و برای جامعه و خود و خانواده مفید باشیم.

انسانی که ظرفیت خدا دادیش بالا و گسترده است: «و نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر/۲۹) یعنی: خدا از روح خود در انسان دمیده. و «و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/۳۱) یعنی: علوم را در اختیار او قرار داده. «وَوَالِيَهُ الْمَصِيرُ» (مائده/۱۸) یعنی: راهش به سوی خدا است. و «إِلَيْهِ الْمُنْتَهَى» باید تا خدا پیش برود. حیف است استعداد خود را در مسیرهای بی فایده و بی معنا قرار بدهد. عقل سالم هم این را محکوم می کند.

آری! انسان می تواند به جای «صَدَّام»، امام خمینی شود و جای فلان ظالم و ستمگر، شهید بهشتی، رجائی و باهنر، عالم و دانشمند شود.

آری! ظرفیت انسان بی نهایت است. چون روح خدا در انسان دمیده شده (حجر/۲۹) «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» (تین/۴) یعنی: و بهترین نوع ساختمان خلقت را دارد.

### ۳- کرامت و فضیلت الهی انسان

خداوند انسان را خلیفه خود در هستی قرار داده است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰) و او را فضیلت و کرامت و برتری داده است: «فَضَّلْنَا بَنِي آدَمَ» (نمل/۱۵)، «كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰).

اگر به این جایگاه توجه نداشته باشیم، کور دلی بدتر از کوری چشم است. چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «شر العمی عمی القلب»، بدترین کوری، کوری دل است. و همچنین فرمودند: «أشد العمی من عمی عن فضلنا» بدترین و سخت‌ترین کوری، کوری کسی است که چشم دیدن فضایل ما را ندارد.

آری! زمینه‌های رشد و کمال انسان از سوی خداست. «کرّمنا، حملنا، رزقنا، فضلنا، خلقنا» ما باید از آن‌ها به خوبی استفاده کنیم.

انسانی که می‌تواند از دریای شور و شیرین جواهر استخراج کند: «وَوَسْتَخْرِجُوا حَلِيَّةً» یعنی: لؤلؤ و مرجان. (نحل/۱۴)، می‌تواند از میان همه تلخی‌ها، سختی‌ها و شربنی‌های دنیا و زندگی در جهت رشد خود تلاش کند

و به

مقامات

علمی،

دنیاپی و

معنوی

برسد.



## درس هشتم :

### انسان در گستره هستی

#### ۱- سختی بیش، پاداش بیش‌تر

خداوند اعمال و رفتار ما را می‌بیند و نسبت به مقدار و کیفیت آن‌ها به ما پاداش می‌دهد.

مثال: گاهی فردی به عنوان گرفتن امتیاز، سر زیر آب فرو می‌برد و افرادی بیرون از آب شمارش می‌کنند و فیلم هم می‌گیرند، او گرچه نفس‌گیر و سخت است سعی می‌کند، تا بیشتر زیر آب بماند. چون امتیازش زیادتر می‌شود.

قرآن: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ» (فجر/۱۴): همانا پروردگارت در کمین‌گاه است.

و: «أَلَمْ يَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق، ۱۴): آیا او نمی‌داند که خداوند می‌بیند.

آری! ریشه طغیان دو چیز است: یکی آنکه خود را بی‌نیاز می‌بیند. «رَأَهُ اسْتَعْنَى» دیگر آنکه خدا را نمی‌بیند و گمان می‌کند خدا هم او را نمی‌بیند. «أَلَمْ يَعْلَمُ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى».

پس پاداش بر اساس آنچه‌ی است که انسان، خود با نیت و عمل خوب یا بد و کم یا زیاد و ریز و درشت و یا مخفی و ظاهر با راحتی و یا سختی کسب می‌کند. قرآن:

- البته! در آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی شوری می‌خوانیم: «ما أصابکم من مصیبهٍ فبما کسبت أیدیکم و یعفوا عن کثیر» هر مصیبتی به شما رسد به خاطر عملکرد شماست، ولی بدانید که خداوند به خاطر رحمت و لطفش از بسیاری گناهانتان می‌گذرد. (اگر بخواهد کیفر همه‌ی کارهای شما را بدهد، احدی روی زمین باقی نمی‌ماند.) برخی سختی‌ها و تلخی‌های دنیوی، گوشه‌ای از کیفر گناهان انسان است.

قرآن: «همانا خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه آنان حال خود را تغییر دهند. (رعد / ۱۱).

قرآن: «پس چون منحرف شدند، خداوند دل‌های آنان را منحرف ساخت» (صف / ۵) قرآن: «پس چون منحرف شدند، خداوند دل‌های آنان را منحرف ساخت» (عنکبوت / ۶۹)

قرآن: «ما رحمت خود را بر هر کس که بخواهیم می‌رسانیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گردانیم. (یوسف / ۵۶)

## ۲- نقش اخلاص

\* داستان قرآنی؛

امام حسن و امام حسین در کودکی مریض شدند. پیامبر (ص) برای شفای آن‌ها نذر فرمود که سه روز روزه بگیرد که امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) اعلام همراهی کردند.

آن عزیزان، شفا پیدا کرده و آن‌ها سه روز روزه گرفته و هر شب، افطاری خود را یک شب به یتیم و شب دیگر به مسکین و شب سوم به اسیر، هدیه دادند. (و می‌گویند:) ما برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما پاداش و تشکری نمی‌خواهیم. همانا ما از پروردگاران، به خاطر روزی عبوس و سخت (قیامت)، می‌ترسیم.» (انسان/۹)

## ۳- ویژه‌گی معامله با خدا،

ویژه‌گی معامله با خدا و تقوا آن است که اعمال ما ابدی و ماندگار می‌شود.

قرآن: «وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» : و فرجام (نیک) از آن پرهیزکاران است. (اعراف/ ۱۲۸) ما در زمان خود دیدیم عاقبت بنی صدرها و رجوی‌ها و عاقبت آیت الله سعیدی، بهشتی، رجایی، باهنر، سردار سلیمانی، سید حسن نصرالله، حججی‌ها، بلکه همه شهدا را.

## درس نهم :

### کوثر در قرآن

#### ۱- جایگاه کوثر

داستان نزول کوثر (سوره کوثر) آن است که پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) دو پسر داشت که بزرگ نشدند و در سن کودکی از دنیا رفتند. و یک دختر به نام زهرا(س). اما عرب‌های جاهلی به نا حق دختر را تحقیر کرده و او را وسیله ادامه نسل انسان نمی‌دانستند. و تنها این دیدگاه را نسبت به پسر داشتند. اما دیدگاه اسلام، دین الهی، به عکس، دختر و زن را احترام کرده و اعتقاد بر این است که چه بسا زن وسیله خیر و برکت زیاد شده و و ادامه نسل هم از او باشد. چون زن هم یک رکن زندگی مشترک انسان است. قرآن می‌فرماید:

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ ... » (حجرات / ۱۳)

( ای مردم! ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا

گرامی‌ترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست، همانا خدا  
دانای خبیر است.)

## آری! از این آیه می‌آموزیم که "

- در خلقت بشر سه اصل مهم است: اصل مساوات در  
آفرینش زن و مرد، اصل تفاوت در ویژگی‌های بشری و اصل  
این که تقوا ملاک برتری است. البته! در آیات دیگر قرآن،  
ملاک‌هایی از قبیل علم، سابقه، امانت، توانایی و هجرت نیز  
به چشم می‌خورد.

- مرد یا زن بودن، یا از فلان قبیله و قوم بودن، ملاک  
افتخار نیست که اینها کار خداوند است.

- تفاوت‌هایی که در شکل و قیافه و نژاد انسان‌ها دیده  
می‌شود، حکیمانه و برای شناسائی یکدیگر است، نه برای  
تفاخر.

- قرآن، تمام تبعیض‌های جنسی، نژادی، حزبی، قومی،  
قبیله‌ای، اقلیمی، اقتصادی، فکری، فرهنگی، اجتماعی و  
نظامی را مردود می‌شمارد و ملاک فضیلت و برتری زن و  
مرد را تقوا می‌داند.

بر اساس فکر غلط عرب‌های جاهلی و اینکه پیامبر(ص) یک دختر داشت لذا به او طعنه و نیش زبان می‌زدند که تو فقط دختر داری و نسل تو بعد از مرگ ادامه ندارد.

خداوند علی‌رغم عقیده آن جاهلان، برای ثابت کردن مقام دختر و در شأن، مقام و ارزش و جایگاه دختر پیامبر(ص)، حضرت فاطمه زهرا(س) سوره کوثر را نازل فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ  
وَ اتْحَرَّ \* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ \* (کوثر/ ۱ تا ۳)

به نام خداوند بخشنده مهربان. همانا ما به تو خیر کثیر (فاطمه زهرا را)، عطا کردیم. پس (به شکرانه این هدیه)، برای پروردگارت نماز بگزار و (شتر) قربانی کن. همانا دشمن تو بی‌نسل و دم بریده است.

و خداوند با نزول این سوره مهر بطلان را بر عقیده آنان زد و بر وجود دختر و زن در جامعه عزت بخشیده و مقام و جایگاه آن‌ها را در زندگی انسان ثابت فرمود..

لذا و بر اساس نزول این سوره از جانب خدای مهربان، در شأن و مقام حضرت فاطمه زهرا(س)، ما بر این عقیده هستیم که همه سادات، در طول تاریخ اسلام از نسل ایشان

هستند و هر فردی که مادرش سید باشد، او هم «سید» است.

## ۲- معنای «کوثر»

کلمه «کوثر» از «کثرت» گرفته شده و به معنای خیر کثیر و فراوان است. و روشن است که این معنا می تواند مصادیق متعددی همچون وحی، نبوت، قرآن، مقام شفاعت، علم کثیر و اخلاق نیکو داشته باشد، ولی آیه آخر سوره، «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» می تواند شاهی بر این باشد که مراد از کوثر، نسل مبارک پیامبر اکرم (ص) از وجود فاطمه زهرا- (س) است که خدا به آن حضرت (ص) عطا و هدیه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ» فرموده است. زیرا دشمن کینه توز با جسارت به پیامبر (ص)، او را ابتر و بدون نسل می نامید و لذا خداوند در دفاع از پیامبرش فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» دشمن تو، خود ابتر است.

بنابراین اگر مراد از کوثر، نسل (و وجود دخترش)، نباشد، برای ارتباط آیه اول و سوم این سوره، توجیه و معنایی دل پسند نخواهیم داشت. و این یک دل گرمی و تسلیایی است از جانب خدا که به او نیش زبان و طعنه می زدند.

آری! این نسل پر برکت از طریق حضرت خدیجه نصیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شد. خدیجه مال کثیر و

تمام اموالش را در راه ترویج دین اسلام داد و از جانب خدا کوثر (فاطمه را) گرفت. ما نیز تا از کثیر نگذریم به کوثر نمی‌رسیم.

فخررازی (یکی از علمای بزرگ اهل سنت) در کتاب تفسیر کبیرش می‌گوید: چه نسلی با برکت‌تر از نسل فاطمه که مثل باقر و صادق و رضا از آن برخاسته است و با آنکه تعداد بسیاری از آنان را در طول تاریخ، به خصوص در زمان حکومت بنی‌امیه و بنی‌عبّاس شهید کردند، اما باز هم امروز فرزندان او در اکثر کشورهای اسلامی گسترده‌اند.

آن هم این مسئله در زمانی، (دوران جاهلیت) اول ظهور دین مبین و عزیز اسلام، به اراده خداوند انجام شد که "خبر تولّد دختر سبب اندوه پدر می‌شد، به گونه‌ای که صورتش از غصه سیاه گشته و به فکر فرو می‌رفت که از میان مردم فرار کند یا دخترش را زنده به گور کند. (نحل/۵۹)

بله! در زمانی قرآن به دختر لقب «کوثر» می‌دهد تا فرهنگ جاهلی را به فرهنگ الهی و انسانی تبدیل کند. و فرزند (به خصوص دختر را) نسل و عطیه الهی می‌داند.

### ۳- یادگاری از رسول خدا(ص)

تسبیحات حضرت زهرا(س) یادگاری است که پیامبر(ص) به ایشان هدیه فرمود و ثواب هزار رکعت نماز دارد. بعد از هر نماز ۳۴ بار «الله اکبر» و ۳۳ بار «الحمد لله» و ۳۳ بار «سبحان الله».

### ۴- موضع گیری سیاسی

اینکه حضرت زهرا(س) با آن همه جایگاه و عظمت، بعد از خطابه مفصل در مسجد، به علی (ع) وصیت فرمود که "شبانه مرا دفع کنید و نمی‌خواست دشمنان آن حضرت که به ناحق ادعای جانشینی پیامبر(ص) را داشتند و حق امیر-المؤمنین علی(ع) را غصب کرده بودند، در تشیع کرده و مردم را با این کار فریب بدهند، این یکی از مهمترین موضع گیری‌های سیاسی بود که فرمود مرا مخفیانه خاک کنید.



## درس دهم :

### هشدار نسبت به عوامل سقوط

#### ۱- اختیار در انتخاب راه

خداوند مهربان و حکیم، انسان را در دنیا عقل و فهم و از طرفی پیامبران و ائمه (ع) را عطا فرموده، اما او را در انتخاب راه آزاد او را آزاد قرار داده و نتیجه راه در گرو اعمال اوست. قرآن:

« إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا » (انسان/۴-  
۳)

(به راستی ما راه (حق) را به او نمایان‌دیم، خواه شاکر (و پذیرا) باشد یا ناسپاس.)

\* هدایت الهی از چند طریق و راه است؛

- گاهی هدایت فطری است. (شمس/۸): خداوند به نفس بشر، خیر و شر را الهام کرد.

- گاهی هدایت از طریق تحصیل، فکر کردن، تعقل، مشورت، تجربه و مطالعه است.

- و گاهی هدایت، از راه تبلیغ و ارشاد انبیا و اولیا خدا است.

حال! اگر انسان در راه ایمان قدم برداشته و تلاش کند، خدا هم کمک کرده و با لطف او چه بسا با کارهای نیک ما آثار کارهای بد را محو و نابود می-فرماید. (هود/۱۱۴) و حتی بدیها را به خوبی تبدیل می فرماید. (فرقان/۷۰).

مثال: آب لجنی که در باغچه و خاک فرو رفته و گل می روید.

در مقابل، انسان هایی هستند که با گول خوردن از ظاهر دنیا و وسوسه شیطان و پیروی از هوای نفس راه انحرافی از راه خدا را انتخاب کرده منحرف شده و سقوط می کنند.

دو مثال:

الف: افرادی از قوم حضرت موسی (ع) ایمان آورده و بعد از آن کافر شدند. (نساء/۱۳۷)

ب: عده دیگری هم ایمان آورده و سپس توسط یک هنرمند منحرف گول خورده و گوساله پرست شدند. (بقره/۵۱).

حال برمی شماریم عواملی را که باعث انحراف، سقوط و بدعاقبتی انسان می شود و این عوامل باید برای ما نشانه های هشدار باشد؛

### الف: دنیاپرستی و مال دوستی،

قرآن می فرماید: علمای یهود و علمای مسیحیت پیغمبر اسلام (ص) را خوب شناختند. و فهمیدند که این همان پیامبری است که "تورات و انجیل وعده و بشارت آمدنش را داده است. اما دیدند که اگر به او ایمان آورده و اعلام کنند مریدانشان از آنها جدا می شوند و دکانشان بسته می شود، لذا دین و حقیقت را برای رسیدن به دنیا فروختند. قرآن:

«لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا» (بقره/۷۹) : تا به آن بهای اندکی بستانند

### ب: خطر لقمه حرام،

گویند: یکی از اطرافیان حضرت موسی (ع) دانشمندی بود به نام «بَلَعَمَ باعورا» اول مذهبی و حافظ کل تورات بود بعد بر اثر لقمه حرام منحرف شد.

داستان دیگر: مأمون الرشید یکی از حاکمان ظلم و ستم، عالمی را دعوت کرد و گفت: در حکومت ما یکی از این سه پُست را باید قبول کنی، قاضی، یا استاد

برای فرزندانم و یا در مهمانی‌های دربار برای تشریفات شرکت کن. شرکت در تشریفات را قبول از غذای حرام که استفاده کرد، بدعاقبت شد با لقمه حرام.

امام حسین (ع) به قاتلانش فرمود: علت اینکه جمع شدید مرا بکشید بخاطر آن است که شکم شما از حرام پر شده است.

### ج- غرور و تکبر،

قرآن: علّت سقوط ابلیس آن بود که غرور و تکبرش باعث شد که خود را برتر از آدم بداند و دستور خدا را عمل نکند.

(خداوند به ابلیس) فرمود: وقتی که من (به سجده) فرمانت دادم، چه چیز تو را از سجده کردن باز داشت؟ (شیطان) گفت: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از گل آفریدی. سوره الأعراف، آیه ۱۲

### د- تبلیغات پرزرق و برق

قرآن: « سامری » یک هنرمندی مجسمه ساز بود در زمان حضرت موسی (ع) از طلا گوساله‌ای ساخت. در زمانی که باد می آمد این مجسمه صدا می کرد. (اعراف/۱۴۸) بعد تبلیغ کرد که خدای شما این است،

نه آنی که موسی می‌گوید. تبلیغات اثر کرده و مردم دست از دین خود برداشتند.

اینجا لازم است که مردم ما به خصوص نسل جوان ما مواظب تبلیغات دشمنان که با هنرمندی زیاد هم در محیط‌های مجازی کار می‌کنند، باشند.



## درس یازدهم :

### درسهایی از داستان موسی و خضر (ع)

#### ۱- تلاش برای جبران شکست

داستان حضرت موسی و خضر (ع) در سوره کهف آیه ۶۶ تا ۸۲ آمده است. در این داستان درسهایی هست که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

- در این داستان آمده: زمانی که حضرت موسی (ع) متوجه شد که " از محلّ ملاقات با حضرت خضر (ع) به اشتباه عبور کرده و راه رفته‌اند، از رسیدن به هدف، مایوس نشده و به دوست همراهش فرمود: این راهی که به اشتباه آمده‌ایم، برگردیم.

یعنی: به جای اینکه مایوس شود، سریعاً تصمیم گرفت که اشتباهش را جبران کند. و این درس مهمی در زندگی ما برای رسیدن به هدف است.

گرچه خداوند ما را هدایت و راهنمایی می‌کند. اما به هنگام تصمیم برای جبران اشتباه و شکست‌ها هم باید توجه به لطف خداوند داشته باشیم. قرآن می‌فرماید:

( درباره‌ی هیچ چیز و هیچ کار، مگو که من آن را فردا انجام می‌دهم، مگر آنکه (بگویی): اگر خدا بخواهد. و اگر فراموش کردی (گفتن: ان شاءالله، همین که یادت آمد) پروردگارت را یاد کن و بگو: امید است که پروردگارم مرا به راهی که نزدیک‌تر است، راهنمایی کند. ) ( کهف/ ۲۳ و ۲۴).

پس از این آیه می‌آموزیم که:

**الف:** گفتنِ «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» که اعتقاد به قدرت و مشیّت الهی را می‌رساند، تکیه کلام اولیای الهی است. چنانکه

در قرآن نیز از زبان پیامبران نقل شده است؛ یعقوب به  
فرزندانش می گوید:

«ادْخُلُوا مِصرَ إِنْ شاءَ اللهُ آمِنِينَ» : وارد مصر شوید،  
ان شاء الله درآمانید، خضر به موسی می گوید: «سَتَجِدُنِي  
إِنْ شاءَ اللهُ صابِراً» اگر خدا بخواهد مرا شکیبیا خواهی  
یافت. حضرت شعیب به حضرت موسی می گوید:  
«سَتَجِدُنِي إِنْ شاءَ اللهُ مِنَ الصَّالِحِينَ» و حضرت  
اسماعیل به پدرش حضرت ابراهیم می گوید:  
«سَتَجِدُنِي إِنْ شاءَ اللهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» مرا ذبح کن که  
به خواست خدا مرا از شکیبایان خواهی یافت.

البته! مراد از گفتن «إِنْ شاءَ اللهُ» \* و «أَعُوذُ بِاللَّهِ» و  
امثال آن، فقط به لقلقه‌ی زبان نیست، بلکه داشتن  
چنین بینشی در تمام ابعاد زندگی و در باور و دل  
انسان است.

امام صادق علیه السلام فرمود: در نوشته‌های خود نیز  
«إِنْ شاءَ اللهُ» \* را فراموش نکنید. روزی دستور داد  
نامه‌ای بنویسند، هنگامی که نامه را بدون «ان شاء الله»  
دید، فرمود: چگونه امید دارید که این کار به سامان  
برسد؟.

ب: در سخن گفتن و تصمیم‌گیری خدا را فراموش نکنیم.

ج: هرگز خود را مستقل از خدا ندانیم و بطور قطع از انجام کاری هر چند کوچک، در آینده خبر ندهیم.

د: به امکانات و توان خود تکیه نکنیم، که فراهم بودن مقدمات، تضمین‌کننده انجام قطعی کار نیست. بلکه در آنچه هم یقین داریم، باید «ان شاء الله» بگوییم.

ه: انسان پیوسته نیازمند خداست و در هر کاری باید خود را وابسته به اراده‌ی الهی بداند.

## ۲- رشد فراگیر

حضرت موسی (ع) از حضرت خضر (ع) خواست که اجازه دهد تا همراهی او را کرده که در نتیجه به رشد برسد.

رشد دارای ابعادی است که حتماً منظور از رشد، رشد جامع بدنی، فکری، سیاسی، اقتصادی و... است. نگفت چه رشدی. مثلاً: قرآن می‌فرماید: «خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم/ ۱۲)، قرآن را جدی و محکم بگیرید. و در آیه دیگر در جهت رشد جامعه اسلامی می‌فرماید:

( و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنان نازل شده، برپا می داشتند، از بالای سرشان (آسمان) و از زیر پاهایشان (زمین) روزی می خوردند. بعضی از آنان میانه رو هستند، ولی بسیاری از آنان آنچه انجام می دهند بد است. (مائده/۶۶).

در آیه ی قبل، نقش ایمان در سعادت معنوی و اخروی مطرح بود، در این آیه نقش آن در سعادت دنیوی و رفاه اقتصادی بیان شده است.

پس اگر پیروان کتب آسمانی دیگر در برابر قرآن تسلیم می شدند و تسلیم در مقابل قرآن را تسلیم نژاد بنی اسرائیل در برابر نژاد عرب نمی پنداشتند و می دانستند که اصول تعالیم انبیا یکی است و ایمان به آنچه پس از تورات و انجیل نازل شده، راه یافتن به کلاس بالاتر است نه باطل ساختن دستورهای پیشین، در این صورت، علاوه بر بهره های اخروی در قیامت، در همین دنیا نیز انواع نعمت ها به سویشان سرازیر می شد.

### ۳- رعایت اخلاق

و در پایان داستان حضرت موسی (ع) و حضرت خضر- (ع) مشاهده می کنیم که " گرچه زمان تودیع، فراق و

جدایی رسید: «هذا فِراقُ» (کهف / ۷۸)، اما ناراحتی، و کدورت و کینه‌ای از همدیگر، به دل نداشتند. این درس مهمی است باید در همه امور و ابعاد زندگی ما جریان داشته باشد. مثلاً: خداوند می‌فرماید: اگر زن و شوهر با هم سازگاری نداشته و مجبور شدند که از هم جدا شوند، باز هم:

« و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان مهلت



(عده) رسیدند، پس یا به طرز شایسته آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید) و یا آنها را به طرز پسندیده‌ای رها سازید.» ، ( بقره/۲۳۱)

### درس دوازدهم :

### درسهایی از سخنان حضرت زینب (س)

#### ۱- سخنرانی بر علیه رژیم بنی امیه

ما با اندکی توجه به سخنرانی حضرت زینب (ع) و استفاده و استناد به ریشه‌های قرآنی نهضت

امام حسین (ع) به عمق و اصالت این حرکت پی  
می بریم ؛

الف: استقامت؛ « ... قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ  
ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ »  
(بقره/۲۵۰):

( گفتند: پروردگارا صبر و شکیبایی بر ما فرو  
ریز و قدمهای ما را ثابت و استوار بدار و مارا بر  
گروه کافران پیروز فرما.)  
از این آیه می آموزیم که:  
- صبر و پیروزی، ملازم یکدیگرند. در اثر صبر،  
ظفر آید.

- در شداید، انسان به صبر بسیار محتاج است.  
( کلمه «صبراً» در قالب نکره، نشانهی صبر  
بزرگ است.)

- پشت سر گذاشتن امتحانات و موفقیت در  
آنها شما را مغرور نکند، باز هم از خداوند  
استمداد نمائید.

- وظیفهی انسان، حرکت و تلاش است، اما  
پیروزی به دست خداست.

- پیروزی در جنگ، زمانی با ارزش است که  
هدف رزمندگان برتری حق بر باطل باشد، نه  
برتری یکی بر دیگری.

ب: روشنگری: « وَ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ وَ  
لِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ » (أنعام/ ۵۵)  
و ما بدین گونه آیات را (برای مردم) به روشنی  
بیان می کنیم، (تا حق آشکار) و راه و رسم  
گناهکاران روشن شود.

آری! روشنگری نسبت به سیمای مجرمان و راه  
خطاکاران و اهل توطئه، از اهداف مکتب است.  
و در طول تاریخ و در تاریخ انقلاب اسلامی ما  
علما با بیان و قلم و شهدا با دادن جان و خون  
در این راه قدم برداشته و تلاش کرده و  
ماندگاری اسلام را بیمه کردند.

ج: عاقبت مجرمان: « ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا  
السُّوَاى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا  
يَسْتَهْزِؤْنَ » (روم/ ۱۰)

سپس عاقبت کسانی که کارهای بد مرتکب  
شدند، این شد که آیات خدا را تکذیب کردند و  
همواره آن را به مسخره می گرفتند.

د: قدرت پوشالی دشمنان: «هرگز گمان مبر که کفار، ما را در زمین عاجز و درمانده می‌کنند. جایگاه آنان آتش است و به راستی که بدسرانجامی است. (نور/۵۷)

ه: افکار سست دشمنان: «و کسانی که کافر شدند، مپندارند مهلتی که به آنان می‌دهیم برایشان خوب است، همانا به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناه (خود) بیفزایند و برای آنان عذابی خوارکننده است. (آل عمران/۱۸۷)

از این آیه می‌آموزیم:

- مجرمان، تکذیب‌کنندگان و مسخره‌کنندگان، هیچ بهره‌ای از کارشان جز عذاب ندارند.

- سقوط انسان، مراحلی دارد: ابتدا گناه، «أسأؤاً السُّوای» سپس تکذیب آیات الهی، «کذَّبوا» و آنگاه استهزا ایمان و مؤمنین و اذیت و آزار آن‌ها. «یَسْتَهْزِؤْنَ».

۲- انجام وظیفه الهی زیباست.

با همه رنجها، مشکلات و مصیبت‌هایی که در

سفر کربلا و ایام اسارت بود. در نگاه حضرت زینب کبری (س) خطاب به ستمگران، مثل یزید و یارانش آن است که فرمود:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً» (اللهوف، ص ۱۶۰): من چیزی جز زیبایی ندیدم.

چرا آنهمه سختی و مصیبت‌ها زیبا است؟ برای اینکه ما به وظائف الهی خود در دفاع از اسلام و مقابله با ظلم و ستم و رواج فساد و بی‌بند و باری عمل و ایستادگی کردیم و با این نهضت حکومت نابکار و ستمکار بنی امیه، سقوط کرد. مثال: خوردن فلفل و پیاز برای فرزندان، سخت و اشک‌آور است. اما در جهت رسیدن به ویتامین آن، پدر، زحمت کشیده کار کرده و می‌خرد. اینکار برای او شیرین است.

نکته: اینکه ما در نماز بارها می‌گوئیم: خدای! «اهدنا الصراط المستقیم: ما را به راه مستقیم هدایت فرما. پیمودن صراط مستقیم با وجود دشمنانی که این را نمی‌خواهند سخت است مشکلات زیادی دارد اما برای کسانی که می-

خواهند رضا و خشنودی خدا را  
جلب کرده و به بهشت راه یابند،



شیرین است.

## درس سیزدهم : ملاک و راه‌ها برای انتخاب راه صحیح

### ۱- انتخاب راه

قرآن، پیامبر و اهل بیت (ع) بر اساس آیات الهی دو راه را برای ما تشریح کرده که ما ناگزیر از انتخاب یکی از آن‌ها هستیم.

اول: راه خدا: که در قرآن راه خدا با جمله: «فی سبیل الله: در راه خدا» مثل «قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» زیاد تکرار شده است. که ما همه کارها را در راه خدا و با انگیزه رضا و خشنودی او انجام دهیم.

دوم: راه‌های غیر خدایی. (که زیاد است) و قرآن مواردی ذکر و یاد آور فرموده است. راه غیر خدا هم با کلمه «دون الله» زیاد تکرار شده است.

### ۲- راهنمایی گرفتن از بزرگ‌ترها

در آموزه‌هایی دینی ما آمده که باید نسل نو را برای انتخاب راه صحیح کمک کنیم به خصوص امروزه که

دشمنان اسلام از راه‌های مختلف و چه بسا برنامه‌های جذاب به خصوص در محیط‌های مجازی، با هجمه و تبلیغات زیاد و زیبا در جهت انحراف آن عزیزان هستند.

در حدیث آمده: «عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أُسْرِعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ» (کافی، ج ۸، ص ۹۳) یعنی: بر شما باد به هدایت و راهنمایی جوانان و نوجوانان، (برای اینکه اگر آن‌ها هدایت شدند، با قلب پاک و زمینه آماده‌ای که دارند، در همه کارهای خیر، سریع‌تر از دیگران وارد عمل می‌شوند).

### ۳- انتخاب سنگر فرهنگی مساجد

از صدر اسلام تا به حال مساجد یکی از سنگرهای فرهنگی جامعه اسلامی برای انتخاب راه صحیح بوده و هستند. قرآن:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران/۹۶)

(همانا اولین (خانه خدا)، خانه‌ای که برای (عبادت) مردم مقرر شد، همان است که در سرزمین مکه است که مایه‌ی برکت و هدایت جهانیان است).

آری! . کعبه و مسجد، اولین خانه است. مرکز پایداری و به پا داشتن مردم است و خانه‌ای آزاد و بدون مالک و محل تجمع و خانه امن و مایه‌ی هدایت تمامی مردم است.

مگر فاطمه زهرا نبود که در مسجد پیامبر (ص) سخنرانی و از مظلومیت امیر مؤمنان (ع) به عنوان جانشین به حق پیامبر (ص) دفاع کرد.

و امام سجّاد (ع) در در مسجد اموی شام با سخنرانی حکومت بنی امیه را استیضاح و ظلم و ستم‌های آن‌ها را افشا فرمود.

و امام خمینی (ره) فرمود: مسجدها سنگر است. و این سنگر فرهنگی است که می‌تواند مکر و حيله و توطئه‌ها و تبلیغات منفی و تخریب‌گرانه دشمنان را خنثی کند. و به جامعه به خصوص نسل جوان ما آگاهی‌های لازم را منتقل و بیان می‌کند.

حدیث داریم: یکی از هشت ویژگی مسجد برای مسجدیان، مطالب و آگاهی‌های جدید و لازم است: «و علماً مستطرفاً».

از طرفی در زمان ما نقش مسجد در بسیج نیروها در جنگ تحمیلی دشمنان و مقابله با توطئه‌ها و فتنه‌های مختلف در تاریخ این انقلاب مخفی و پوشیده نیست.

#### ۴- اسقامت بر انتخاب کارهای سخت

مسلمان نباید در راه انجام وظیفه و پیاده کردن احکام الهی و دستورات و راهنمایی‌های پیامبر و اهل بیت (ع) دنبال کارهای آسان و راحت باشد. قرآن:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا ...» (فُصِّلَتْ/۳۰)

همانا کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست، پس (بر این عقیده) مقاومت نمودند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند (و می‌گویند): نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به بهشتی که پی در پی وعده داده می‌شدید.

آری! استقامتی ارزشمند است که طولانی باشد. و انسان در اثر ایمان و مقاومت، فرشتگان را به خود جلب می‌کند. و مقاومت در راه حق، هم خوف از آینده را برطرف می‌کند.

## ۵- صرفه جویی در اوقات عمر

اگر ارزش و اهمیت عمر برای ما روشن باشد در گذر عمر آنچنان صرفه جویی می کنیم تا از همه لحظات آن بهترین و بیشترین استفاده را داشته باشیم.

لذا قرآن می فرماید: عده ای فردای قیامت از خدا می - خواهند تا به دنیا برگردند تا از عمرشان خوب و خوب تر استفاده کنند. (مؤمنون/۹۹).

و از طرفی قرآن نسبت به کسانی که از عمر خود خوب و طبق برنامه ریزی و دستورات الهی تنظیم نکرده و بدون معرفت راهی را انتخاب کرده و عمر را بیهوده و به بطالت سپری می کنند، انتقاد می فرماید.  
«فَأَنى تُصْرَفُونَ» (یونس/۲۳)، «فَأَنى تُؤْفَكُونَ» (یونس/۳۴)، «فَأَیْنَ تَذْهَبُونَ» (تکویر/۲۶)، «كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس/۳۵).



## درس چهاردهم :

### خطرها و سپرها

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ ... وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ  
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ »

( ای مردم! ... و از گام‌های (وسوسه انگیز)  
شیطان، پیروی نکنید. براستی که او دشمن  
آشکار شماست. ) ( بقره/۱۶۸).

#### ۱- سپر شناخت نعمت و امدادها

قرآن برای توجه بیشتر و عمیق‌تر نسبت به نعمت‌ها،  
چنین هشدار می‌دهد: «إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ  
يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک/ ۳۰) ، ( بگو: به من خبر  
دهید اگر آب (چشمه‌ها و چاههای) شما در زمین فرو  
رود، کیست آن که آب روان و گوارا برای شما بیاورد).

و در آیه دیگر: «لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا» (واقعه / ۷۰) ،  
اگر بخواهیم آن را شوروتلخ می گردانیم، پس چرا  
سپاسگزاری نمی کنید؟).

و: «لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا...» ، (اگر بخواهیم آن  
(کِشْتِ شَمَا) را خار و خاشاک می گردانیم، پس شما از  
روی تعجب می گویند:

«إِنَّا لَمُغْرَمُونَ \* بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ» (الواقعه، ۶۷ و ۶۶) ،  
(ما زیان دیده ایم. بلکه محروم و بدبختیم.)

لذا در بحث ازدوج، همه خوشبختی را از جانب خدا  
بدانید و توجه به ارزش های الهی را در انتخاب بر  
ارزش های مادی مقدم بدانید. انتخاب ها باید رضا و  
خشنودی الهی را در نظر داشته باشند و همه بر خدا  
توکل کنیم.

حساب کنیم همسری که مثلاً: اهل نماز نیست و  
رابطه اش با خدا که این همه نعمت به او داده است  
خوب نیست چگونه می تواند برای دیگری همسر خوبی  
بوده و قدر دان زحمات باشد!

و آنکه احترام پدر و مادرش را ندارد، چگونه احترام  
شما را خواهد گرفت! کسی که به دوستانش وفادار

نیست چگونه با شما و در زندگی مشترک وفادار خواهد بود.

## ۲- خطر عزت خواهی

قرن می فرماید: «أَيُّتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ»، عزت را از دیگران می خواهید؟! و حال آنکه: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (نساء / ۱۳۹)، (همه عزت از آن خدا است).  
و: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره / ۱۶۵)، (تمام قدرت از آن خدا است).

و در دعای معروف به «شعبانیه» از زبان معصوم (ع) به پیشگاه خداوند می خوانیم:

«الهی بیدک لا بید غیرک زیادتی و نقصی» خدایا فقط به دست توست، نه به دست دیگری است، زیادی و نقص من. (عزت و ذلت من).

البته! در کارهایی هم ما محاسباتی داریم که خداوند می فرماید: «كَلَّا»، (این چنین نیست). (که تو فکر می کنی)، یا کلماتی مثل: «يَحْسَبُونَ»، (خیال می کنند)، «أَفَحَسِبْتُمْ»، (آیا اینگونه خیال می کنید؟!).

مثلاً: آمریکا با همه ی کارشناس ها و تکنولوژی و قدرت و تبلیغات و بوق هایی که دارد، از اول انقلاب تا به حال

هر محاسبه‌ای برای ایران، انقلاب و مردمش که برای رضای خدا حرکت و انقلاب کرده‌اند، داشته است، پوچ و اشتباه درآمده است. و به همین دلیل او روز به روز منفورتر و ایران در چشم مردم دنیا عزیزتر شده‌اند.

مردم ایران چون به خدا ایمان آورده و عزّت خود را در سایه این ایمان می‌دانند، به او توکل کرده‌اند و از هیچ قدرتی در دنیا، ترس و هراسی ندارند و کشورهایی که عزّت خود را در سایه آمریکا می‌پندارند. از خدا نترسیده و از آمریکا هراس دارند!!

امروز آیا در کشورهای دنیا از مسئولین ایران بیشتر استقبال می‌شود و یا مسئولین آمریکا، و یا امثال اسرائیل و انگلیس.

امام حسین(ع) عزّت را از خدا خواست و برای رضای او و یاری دینش زیر سم اسب هم رفت و عزیزانش مثل علی اصغر ششماهه‌اش را هم در این راه، فدا کرد. الآن قضاوت کنیم که راه و مکتب و احترام او بعد از حدود هزار و سیصد سال، مانده است و یا قدرت و شوکت پوشالی بنی‌امیه و یزیدیان.



## درس پانزدهم:

### ما و دشمنان

#### ۱- اعلام برائت و انزجار

« بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ  
الْمُشْرِكِينَ ... » (توبه/۲۱)

(این آیات اعلام جدائی و بیزاری و برائتی است از  
سوی خدا و پیامبرش، نسبت به مشرکانی که با آنان  
پیمان بسته‌اید.

\* ماجرای اظهار انزجار از دشمنان و مشرکان و  
اعلان این آیات؛

در سال هشتم هجری مکه فتح شد، اما مشرکان  
همچنان برای انجام مراسم عبادی خود که آمیخته با  
خرافات و انحرافات بود، به مکه می‌آمدند. از جمله  
عاداتشان این بود؛ لباسی را که با آن طواف می‌کردند،  
صدقه می‌دادند. یک زن که می‌خواست طواف‌های  
بیشتری انجام دهد، چون دیگر لباسی نداشت، به

اجبار کفار برهنه طواف کرده و مردم به او نگاه می‌کردند.

این وضع برای پیامبر(ص) و مسلمانان که در اوج قدرت بودند، غیر قابل تحمل بود. پیامبر منتظر فرمان خدا بود تا آنکه این سوره در مدینه نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوبکر مأموریت داد تا آیاتی از آن را بر مردم مکه بخواند. شاید انتخاب ابوبکر به دلیل آن بود که او پیرمرد بود و کسی نسبت به او حساسیت نداشت.

اما وقتی او به نزدیک مکه رسید، جبرئیل از سوی خدا پیام آورد که تلاوت آیات را باید کسی انجام دهد که از خاندان پیامبر باشد. آن حضرت(ص)، علی علیه السلام را مأمور این کار کرد و فرمود: من از او هستم و او از من است. علی علیه السلام در وسط راه آیات را از ابوبکر گرفت و به مکه رفت و بر مشرکان قرائت نمود.

ماجرای تلاوت آیات این سوره توسط علی علیه السلام، در کتب اهل سنت نیز آمده و از اصحاب، کسانی همچون ابوبکر و علی علیه السلام، ابن عباس، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری آن را روایت کرده‌اند و در منابع بسیاری نقل شده است.

\* نکاتی که توسط علی علیه السلام به کفار  
اعلام شد عبارت بود از:

- اعلام برائت و لغو پیمان‌ها.
- ممنوعیت شرکت مشرکان در حج از سال آینده.
- ممنوعیت طواف در حالت برهنگی.
- ممنوعیت ورود مشرکان به خانه‌ی خدا.

## ۲- پاداش خشمگین کردن دشمنان

(... زیرا هیچ گونه تشنگی، رنج و گرسنگی در راه خدا  
به آنان (مسلمانان)، نمی‌رسد و هیچ گامی در جایی  
که کافران را به خشم آورد بر نمی‌دارند و هیچ چیزی از  
دشمن به آنان نمی‌رسد، مگر آنکه برای آنان به پاداش  
اینها عمل صالح نوشته می‌شود. قطعاً خداوند  
پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. (توبه/۱۲۰)

\* اصولی که از این آیه برای مقابله با استفاده  
می‌شود:

- ایمان به اینکه همه سختی‌های جنگ، عمل صالح  
و موجب رضای الهی است.
- مقاومت و تحمل در برابر سختی‌ها. و خوار و  
عصبانی کردن دشمن.

از این آیه می‌آموزیم که:

- اطاعت بی‌چون و چرا از پیامبر و رهبر دینی لازم است و کسی حقّ تخلف از فرمان او را ندارد.
- حفظ جان رهبر، ضروری‌تر از حفظ جان مسلمانان است. مسلمانان باید پیشمرگ رهبر آسمانی باشند.
- مسلمان باید در راه عقیده، آماده‌ی تحمل هر سختی و فشاری باشند.
- جامعه‌ی اسلامی باید کفرستیز باشد.
- راهپیمایی‌ها و حرکات دسته‌جمعی مسلمانان که موجب خشم و هراس کفار می‌گردد، در نزد خدا پاداش دارد. - نه تنها دفاع و رزم، بلکه همه‌ی حرکات، تلاش‌ها و رنجهای در راه خدا و رضای او ثبت شده و موجب اجر است.

### ۳- آمادگی همه جانبه در مقابل دشمنان

( و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هرچه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آنها را می‌شناسد، به وسیله آن بترسانید، و در راه خدا (و تقویت بنیه‌ی دفاعی اسلام) هرچه انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می‌رسد و به شما ستم نخواهد شد.

این آیه دستور آماده باش همه جانبه‌ی مسلمانان در برابر دشمنان و تهیه هر نوع سلاح، امکانات، وسایل و شیوه‌های تبلیغی حتی شعار و سرود را می‌دهد که رعایت این دستورات، سبب هراس کفار از نیروی رزمی مسلمانان می‌شود. «أنفال / ۶۰»

پیامبر (ص) وقتی با خبر شد که در یمن اسلحه‌ی جدیدی ساخته شده، شخصی را برای تهیه‌ی آن به یمن فرستاد.

در اسلام، مسابقات تیراندازی و اسب سواری و برد و باخت در آنها جایز شمرده شده تا آمادگی رزمی ایجاد شود.

(قابل توجه عزیزان است که این آیه حدود ۳۰ درس برای آماده باش مسلمانان دارد. که علاقمندان می‌توانند به تفسیر نور ذیل تفسیر همین مراجعه کنند.)

**آری!** تمام مسلمانان باید آماده‌ی رویارویی با توطئه‌های دشمن باشند و دوره‌های رزمی را دیده باشند. لذا امام خمینی قدس سره در روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی که جمعیت ایران حدود سی میلیون بود، فرمود: «ما باید ارتش بیست میلیونی داشته باشیم».



## درس شانزدهم: پایداری و استقامت

### ۱- پایداری در مقابل لجajt و فریب دشمنان

ای پیامبر! اینان تنها در برابر تو به لجajt  
نپرداختند، بلکه) ما این گونه برای هر پیامبری،  
دشمنی از شیطان‌های انس و جنّ قرار دادیم. که  
برخی از آنان حرف‌های دلپسند و فریبنده را به برخی  
دیگر مرموزانه القا می‌کنند. البته اگر پروردگارت  
می‌خواست، چنین نمی‌کردند. (ولی سنت الهی بر  
آزادی انسان‌ها می‌باشد)، پس آنان را و آنچه به دروغ  
می‌سازند به خود واگذار. («أنعام/۱۱۲»

از این آیه می‌آموزیم که "

- از عوامل استقامت و پایداری انسان، آگاهی از تاریخ  
و مشکلات دیگران است.

- مبارزه حقّ و باطل، در طول تاریخ وجود داشته  
است. و رهبر جامعه، باید برای مخالفت‌ها آماده باشد.

- انتظار ریشه کن شدن مخالفان و بدخواهان را نداشته باشیم. و از سنت‌های الهی روبرو شدن انبیا و رهپویان راه حق با مخالفان گوناگون است. و کفار لجوج، شیطانند.

- کلمات زیبا و فریبنده دشمنان، می‌تواند از عوامل اغفال و گول خوردن مسلمانان باشد.

## ۲- توکل به خدای بزرگ

( همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما تنها خداست، سپس (بر ایمان و گفته خود) پایداری کردند، هیچ بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد. آنان به خاطر آنچه (از کارهای نیک) انجام می‌دادند، اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند ماند. ) (أحقاف / ۱۳ و ۱۴)

انسان به طور طبیعی، خواهان آرامش و رفاه و زندگانی جاوید است و خداوند، راه رسیدن به تمام این خواسته‌ها را در گرو ایمان و عمل صالح پایدار می‌داند.

آری! پایداری بر حق مشکل است، ولی با وعده خدا به پاداش بزرگی مثل بهشت پر نعمت و دور از حزن و اندوه، آسان می‌شود. لذا باید کارهای سخت را با پاداش‌های بزرگ جبران کرد.

- صرف اظهار ایمان را کافی ندانیم، بلکه استقامت بر آن و سرانجام و آینده را در نظر بگیریم.

(چنانکه حضرت یوسف (ع) پس از نجات از سختی‌ها و رسیدن به عزیزی مصر، گفت: خدایا! مرا مسلمان بمیران و با نیکان محشور گردان)

- ایمان به خدا، خوف و ترس از قدرت‌ها و دیگران را از بین می‌برد.

- جزای استواری ایمان و استمرار نیکی‌ها، جاودانه بودن در بهشت و نعمت‌های بهشتی است. و بهشت، پاداش اهل عمل است، نه اهل سخن و شعار.

- از عوامل استقامت و پایداری انسان، آگاهی از تاریخ و مشکلات دیگران است.

- مبارزه حق و باطل، در طول تاریخ وجود داشته است. پس انتظار ریشه‌کن شدن مخالفان و بدخواهان را نداشته باشیم. و از طرفی کلمات زیبا و فریبنده هم، نباید باعث اغفال انسان شود.

- امید به نصرت و یاری خداوند

با آنان بجنگید تا خداوند آنان را به دست‌های شما

عذاب کند و خوارشان سازد و شما را بر آنان پیروز  
کند و دل‌های (پر درد) مؤمنان را تشفی و مرهم نهد.  
(توبه/۱۴)

- آری! - جبهه‌های جنگ، بستر امدادهای الهی است.  
(از شما حضور و جهاد، از خدا نصرت و امداد)
- رزمندگان، بازوی حق و عوامل اجرای حکم خدایند.
- خداوند خواستار شکست و ذلت دشمنان دین و  
پیروزی و عزت مؤمنان است.
- از اهداف جنگ، محو کفر و ذلت کافران و آرامش  
مؤمنان است.
- دل‌های مسلمانان از دست کافران همیشه جریحه‌دار  
و آکنده از رنج و آزار است.
- گرچه در جنگ، عده‌ای شهید و داغدار می‌شوند،  
ولی امت اسلامی در عزت و آرامش زندگی می‌کنند.



## درس هفدهم:

### مقایسه داشته ها و نداشته

#### ۱- مهم بودن هدف

در مکتب الهی مهم نیست که چه کسی کجا و در چه مقام و جایگاه و امکاناتی است، ( رهبر، رئیس جمهور، وکیل، وزیر، سفیر، تاجر، کاسب، استاد دانشگاه، دانشجو، پولدار، ضعیف، قوی، شهری، روستایی و...) مهم آن است که در چه راهی و با چه هدف و مقصدی زندگی و تلاش می کند.

در آموزه های دینی ما آن است که خداوند، توفیق و پیمودن راه الهی را برای همه مساوی قرار داده است. مهم آن است که در مسیر صراط مستقیم، (حمد/۵) و جلب رضای الهی باشد. (مائده/۱۱۹). با راهنمایی قرآن و عترت: «کتاب الله و عترتی» .

در دعا آمده: «یا من سَوِّی التَّوْفِیْقَ بَیْنَ الضَّعِیْفِ وَ الْقَوِیِّ» یعنی؛ انسان قوی و ضعیف هر دو یکسان می توانند در جهت رضا و قُرب و نزدیک شده خدا رشد کنند.

مثال: یکی ۱۰۰ تومان دارد ۱۰ تومان و یکی ۱۰۰۰ تومان دارد ۱۰۰ تومان و یکی ۱۰ میلیون دارد یک میلیون و ۱۰۰۰، دار راه خدا می دهد در نزد خدا به جهت توانشان، اجر و پاداششان یکی است. حال! مرد یا زن. سفید یا سیاه، باسواد یا بی سواد، شهری یا روستایی، جوان یا پیر و ۱۰۰۰، باشد فرقی نمی کند. به این شکل خداوند توفیق و رشد را برای همه، البته! به قدر توان مساوی قرار داده است. قرآن:

(خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند، هر کس آنچه از کارها (ی نیک) انجام دهد به سود خود انجام داده و آنچه از کارها (ی بد) کسب کرده به ضرر خود کسب کرده است.) (بقره/۲۸۶)

آری! تکالیف و احکام و دستورات الهی، بیش از توان انسان نیست. دین اسلام، دین آسانی است، نه سخت گیری.

مثال: در اقامه نماز، می فرماید: اگر می توانی ایستاده و اگر توان نداری ( مثل انسان مریض،) نشسته و اگر باز هم توان نداری خوابیده و حتی با اشاره نماز بخوان.

لذا و بر این اساس ، همه توقع نداشته باشند ابوعلی سینا شوند. مثلاً: من و ابوعلی سینا دو ساعت برای مطالعه به کتابخانه می رویم. او تیزهوش است، بیست تا مطلب یاد می گیرد و من که عادی هستم دو تا مطلب. اجر ما نزد

خدا یکی است. این بی‌عدالتی هم نیست چون از هر فردی به اندازه قدرت، توان، هوش و امکانات توقع می‌رود.

## ۲- حمایت خداوند از نابینا

\* داستان قرآنی: (سوره عَبَسَ)

شخص نابینایی وارد مجلسی شد که پیامبر اکرم (ص) با سران قریش صحبت می‌کردند. او در حالی که نمی‌دانست چه کسانی در مجلس هستند، صدا زد: یا محمد! قرآن را به من بیاموز. فردی از آن‌ها به این فرد نابینا (با این کارش)، آخم و عبوس و اظهار ناراحتی کرد. از طرف خدا در محکومیت و مذمت این فردی که به آن نابینا آخم کرد، ده آیه از این سوره را نازل و فرمود:

(به نام خداوند بخشنده مهربان. چهره درهم کشید و روی بر تافت. از اینکه نابینایی به سراغ او آمد. و تو چه دانی، شاید او در پی پاکی و پارسایی باشد. یا پند گیرد و آن پند سودش بخشد. (عَبَسَ/۱۰-۱)

از این آیات می‌آموزیم که:

- نقص عضو نشانه نقص شخصیت افراد نیست. (لذا احترام نابینایان و معلولین و افراد ناقص الخلقه لازم است.)

- ارزش اخلاق به خاطر کمال ذاتی آن است، نه خوشایند دیگران. ( نابینا که عبوس کننده را نمی‌بیند تا شاد یا ناراحت شود. اما خداوند داشتن این اخلاق که از روی کبر و غرور است را محکوم می‌فرماید. طرف ببیند یا نبیند.)

- اسلام با روحیه استکبار و تحقیر دیگران مخالف است.

- به ظاهر افراد نمی‌توان قضاوت کرد. (گاهی نابینا، از افراد بینا طالب‌تر و جایگاهش نزد خدا بهتر و بیشتر است).

- اصل، ایمان انسان‌هاست نه ثروت و سرمایه آنها.

- طبقه محروم راحت‌تر و با سرعت به سراغ اسلام می‌آیند.

**\* داستان نابینایی از زمان پیامبر(ص) تا کربلا و زمان امامت امام باقر(ع)؛**

در اصحاب پیامبر(ص) فرد نابینایی است به نام « جابر بن عبدالله انصاری ره » از زمان پیامبر تا زمان امام باقر(ع) را درک کرده، بعد از شهادت امام حسین(ع) هم به کربلا و بالای قبر آن حضرت(ع) حاضر شد و عرض ارادت کرد.

با اینکه نابینا و پیر و هنوز بنی امیه بر سر حکومت ظلم و ستم خود بودند، از اهل بیت (ع) و در زمان امامت امام باقر- (ع) حضور داشت. (با اینکه آن حضرت ع در آن زمان، جوان بود)، با جرأت تمام، از او دفاع و حمایت می کرد.

### ۳- توجه به عدل خداوند

خداوند عادل است. کنار تلخی های زندگی ها شیرینی هایی هم هست. مثلاً: فردی صدای خوبی ندارد، ولی حافظه اش خوب است. به عکس، یکی خوش صدا، اما حافظه اش قوی نیست.

در کلمات نورانی امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه آمده:

«قَرْنَ بِسَعَتِهَا، فَاقْتِهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۹۱) یعنی: در کنار کمبودی، گشایشی هم هستش. «مَادُّ الْقَامَةِ قَصِيرُ الْهَمَةِ» قدتش کوتاه است. «طَلِيقُ اللِّسَانِ حَدِيدُ الْجَنَانِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴) بیانش روان است اما انگار قلبش آهن و سنگ است

### ۴- عدل در کیفر و پاداش

قرآن: «... فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ \* وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال/۸ و ۷)

( در آن روز مردم به طور پراکنده (از قبرها) بیرون آیند تا کارهایشان به آنان نشان داده شود. پس هر کس به مقدار ذره‌ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند. و هر کس هم وزن ذره‌ای کار بد کرده باشد آن را ببیند.)

### \* داستان قرآنی:

در روایات می‌خوانیم: مرد عربی وارد مسجد پیامبر اکرم- (ص) شد و گفت: «عَلَّمَنِي بِمَا عَلَّمَكَ اللَّهُ» از آنچه خدا به تو یاد داده (از قرآن)، مرا یاد بده! حضرت (ص) شخصی را مأمور آموزش قرآن به او کردند.

معلم برای او سوره إِذَا زُلْزِلَتْ ... را خواند، همین که به آیه فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ... رسید، مرد عرب گفت: «کفانی» مرا بس است (همه چیز را فهمیدم که عالم‌ خدایی و نسبت به اعمال ما حساب و کتاب، جزاء و پاداشی دارد)، واز درب مسجد بیرون رفت. پیامبر (ص) فرمود: «رجع فقیها» : یعنی: همه حقیقت این عالم را با شنیدن این سوره درک کرد و رفت. او اهل بهشت است. اینجاست که گویند: در خانه اگر کس است، یک حرف بس است.

### ۵- عدل خداوند، بر اساس حکمت است.

خداوند حکیم است و پاداش و یا جزای اعمال ما را بر اساس وزن و کیفیت و نوع اعمال ما می‌دهد. عمل و

پاداش و جزا با هم وفاق دارد: «جَزَاءٌ وِفَاقًا»: کیفری  
مناسب گناه آنهاست. (انبیاء/۲۶).

آری! کیفی‌های الهی عادلانه است. و ریز و درشت کارها  
حساب و کتاب دارد و خداوند احاطه علمی به همه چیز  
دارد و این احاطه، ثابت و باقی است.

## پایان





قرآن کتابی است که هیچ‌گونه باطلی از پیش رو و از پشت سر در آن راه ندارد، «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت، 42) قرآن تنها کتابی است که تحریف نشده است و هرچه تاریخ بر آن می‌گذرد، اسرارش بیش‌تر روشن می‌شود. این یک خبر غیبی است که قرآن می‌فرماید.

کانال‌های موسسه تفسیر و ترویج فرهنگ قرآنی در شبکه‌های پیام‌رسان

ایتنا <https://eitaa.com/tarheonsebaquran>

شاد <https://shad.ir/darshayeiquran>

شاد [https://shad.ir/tafsir\\_gherati](https://shad.ir/tafsir_gherati)

سروش <https://splus.ir/tarheonsebaquran1>

بله @ tarheonsebaquran

آدرس وبسایت



[www.TarvijeQuran.ir](http://www.TarvijeQuran.ir)